

سخن گفتن در مورد ابعاد شخصیت و اندیشه های تابناک امام خمینی رحمه الله رهبر بزرگ جهان اسلام در عصر حاضر و پدید آورنده مهم ترین حادثه قرن بیستم کاری بس دشوار است.

با اینکه تا به حال مقالات و کتاب های بسیاری در این زمینه نوشته شده است، در معرفی شخصیت کامل آن رادمرد جهان اسلام به پایان راه نرسیده ایم، بلکه هنوز برای شناخت کامل هویت آن شخصیت فرزانه راهی دراز در پیش داریم و باید اعتراف نمود که:

من چه گویم یک رگم هشیار نیست

وصف آن یاری که او را یار نیست

یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

ور دهان یابم چنین و صد چنین

تنگ آید در بیان آن امین

حضرت امام خمینی رحمه الله به عنوان فقیهی ژرف نگر و حکیمی خردمند و سیاستمداری دوراندیش و عارفی الهی، توانسته بود در پرتو مناجات های شبانه و توکل و معرفت و اخلاص، به منبع نورانیت الهی و اقیانوس بی کران عرفان و معنویت متصل گردد. به همین دلیل دست یابی به افق اندیشه های این شخصیت عظیم برای اندیشمندان اگر غیر ممکن نباشد، آسان نخواهد بود.

امیر مؤمنان علیه السلام در مورد شخصیت چنین مردانی می فرماید: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره، و باشروا روح الیقین، واستلانوا ما استوعره المترفون. و انسوا بما استوحش منه الجاهلون و صحبوا الدنیا بآبدان ارواحها معلقة بالمحل الاعلی. اولئک خلفاء الله فی ارضه و الدعاء الی دینه، آه آه، شوقا الی رؤیتهم؛ آنان با نور دانش به حقیقت ادراک و بصیرت رسیدند و جوهره یقین را با جان خود دریافته اند و آنچه را که بر افراد رفاه طلب دشوار می نمود راحت و آسان گرفته و با آنچه که نا آگاهان از آن بیم داشتند مانوس شدند. با بدن هایی همنشین دنیا گشتند که روح های آن ها به [قله های رفیع] عالم ملکوت پیوند خورده است. آنان جانشینان خدا در زمین او و دعوت کنندگان مردم به سوی دین اویند. آه! آه! چقدر مشتاق دیدارشان هستم»⁽¹⁾ . !

در این مجموعه بر آنیم که بخش هایی از مهم ترین ویژگی های شخصیتی امام راحل را از زبان و قلم دانشمندان و متفکران آزاد اندیش جهان بشنویم، زیرا:

خوشر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

به امید اینکه به این بهانه بتوانیم زمینه آگاهی بیشتری نسبت به ویژگی های شخصیتی آن نادره دوران را فراهم نمائیم. برای سهولت امر این نوشتار کوتاه را در دو بخش تقدیم می کنیم. در بخش اول از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و در بخش دوم از سخنان صاحب نظران غیر مسلمان آگاه خواهیم شد.

بخش اول: امام خمینی رحمه الله از منظر اندیشمندان مسلمان

سخن را با روایتی مشهور که عده ای از بزرگان معاصر آن را با شخصیت حضرت امام خمینی رحمه الله تطبیق نموده اند آغاز می کنیم: امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «رجل من اهل قم یدعو الناس الی الحق، یجتمع معه قوم کزیر الحديد، لا تزلهم الریاح العواصف و لایملون من الحرب و لایجبنون و علی الله یتوکلون والعاقبه للمتقین؛ مردی از اهل قم [به پا

می خیزد و [مردم را به حق [و حمایت از آن] فرا می خواند. گروهی به گرد او می آیند که مانند قطعه های آهن هستند، تندبادهای [حوادث و مشکلات] آنان را متزلزل نمی کند و از جنگ خسته نمی شوند و [از چیزی] نمی ترسند و بر خداتوکل می کنند. پیروزی نهایی از آن پرهیزگاران است»⁽²⁾.

امام خمینی رحمه الله سازنده تاریخ معاصر

دکتر مصطفی ایوب، دانشمند مسلمان آمریکایی و مسؤول گروه مطالعات ادیان در دانشگاه تامل آمریکا در مورد رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران می گوید:

«بنده معتقدم که تاریخ، امام خمینی رحمه الله را به عنوان بزرگترین شخصیت جهانی قرن بیستم معرفی خواهد کرد، زیرا او فردی بود که هم نبوغ سیاسی و هم نبوغ دینی داشت. درست است که ولایت فقیه به عنوان یک مفهوم اسلامی شیعی از غیبت صغری همواره مورد بحث و بررسی بوده ولی امام خمینی رحمه الله به این مفهوم تفسیر دیگری دادند که امام معصوم علیه السلام از طریق علمایی که فقیه اند نقشی در حکومت دارد و آن علماء نایبان امام علیه السلام هستند و چنانچه در شخصی خصوصیتی که امام عصر علیه السلام بیان کرده فراهم گردد، فقیه اول خواهد بود. بنده معتقدم که از جمله مهم ترین تاثیرات نهضت امام خمینی رحمه الله این بوده که حکومت در یک کشور بزرگ و با اهمیت اسلامی را از ماهیت لائیکی آن به ماهیت اسلامی و دینی مبدل ساخت و بدین ترتیب جمهوری اسلامی الگویی برای جنبش های اسلامی جهان گردید.

من بر این باورم که از لحاظ قدرت فکری، امام تنها یک فرد یا پدیده فردی نبود بلکه یکی از سازندگان تاریخ بود»⁽³⁾.

اثبات بطلان نظریه «دین افیون ملت ها»

استاد فهمی هویدی مصری نویسنده مشهور روزنامه «الاهرام»، مجله «المجله» و روزنامه «الشرق الاوسط» می گوید:

«باید گفت: که به طور کلی ذهن انسان از بیان دستاوردهای امام عاجز است ولی می توان آن ها را در بندهای ذیل خلاصه کرد:

1- اعتبار بخشیدن دوباره به ملت ایران و متوقف نمودن دشمنی و بی حرمتی به شخصیت مذهبی آنان که رژیم گذشته ایران در صدد بی ارزش کردن آن بود.

2- ایشان گفته هایی چون «دین عنصری است افیون ملل و عامل خمود و سستی» را رد کردند و ثابت نمودند که اگر از دین به درستی استفاده شود عنصری فعال و مؤثر در برانگیختن ملت هاست.

3- امام خمینی رحمه الله پیروزی مستضعفین و پیشرفت مهم مواضع اسلامی را در جهان معاصر محقق ساختند.

4- امام در مقابل قوای استکبار جهانی با قدرتی عظیم قد علم کردند و در مقابل ایشان سکوت نکردند.

5- در چهارچوب افکار مذهبی به پیروزی بزرگی دست یافتند و آن، تشکیل حکومتی جدید پس از سال ها انتظار بود و این دستاورد از اهمیت خاصی برخوردار است»⁽⁴⁾.

اهتمام ویژه به حفظ اسلامیت نظام

دکتر ادريس كتانى نویسنده معروف مراکشی و از اعضای مجمع کبار العلماء مغرب می گوید:

«به عقیده من مهم ترین کار امام خمینی رحمه الله حفاظت از اسلامی ماندن انقلاب پس از پیروزی بود. برای توضیح مطلبم نیاز دارم قسمتی از تاریخ معاصر را که، خود شاهد آن بوده ام برای شما بازگو کنم.

من در متن انقلاب بزرگ مردم الجزایر بودم. در آن انقلاب همه مردم مسلمان بودند و با شعارهای اسلامی و با دست خالی استعمار ۱۳۰ ساله فرانسه بر ماوراءالبحر را پایان دادند. اما بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، سوسیالیست ها مسلمانان را کنار زدند و حاکمیت خود را بر مردم تحمیل کردند. زیرا انقلاب مردم اسلامی الجزایر کادر رهبری اسلامی نداشت. همان روزها، درست چند روز پس از پیروزی، «تیتو»، «ناصر» و «نهر» به الجزایر آمدند تا رسماً سوسیالیست بودن مبارزات مردم را اعلام کنند. ولی نکته مهم در انقلاب اسلامی ایران، اصرار امام خمینی رحمه الله بر اسلامی ماندن حکومت بود. رمز موفقیت امام هم در این بود که با تکیه بر مردم مسلمان، گروه های مقاومت تشکیل داد و از نیروی انقلابی آنان کمک گرفت و نگذاشت صاحبان قدرت نظامی و سیاسی، حکومت را از دست مسلمانان بگیرند. تشکیل سپاه مردمی، دفاع از انقلاب و حضور مردم مسلمان در صحنه و استفاده از کادرهای اسلامی و مقاومت امام در رهبری اسلامی باعث شد تا غربی ها در تحلیل های خود دچار شکست شوند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از افرادی که برای بررسی و دیدار از انقلاب ایران به کشور شما سفر کرد، یک وکیل دادگستری مغربی و دبیر کل حزب اتحاد سوسیالیستی مراکش بود که در بازگشت نوشت: «انقلاب و رهبری امام به نحوی است که غربی ها حتما در مورد آن نمی توانند تئوری های درستی ارائه کنند».

فرصت را غنیمت می شمارم و اعلام می کنم که کتاب ها و نظریات زیادی از علمای اسلامی علیه امام خمینی رحمه الله دیده ام - چه در داخل و چه در خارج ایران - اما به عنوان یک عالم دینی اذعان می کنم که همه آن ها یا به خاطر جمود اندیشه است و جهل به مسائل سیاسی، یا دگم اندیشی در مسائل اسلامی عامل آن ها بوده است، که به هر حال نظریات معتبری ارائه نکرده اند. رضوان خداوند بر او باد»^(۵).

رہبر ۷۹ سالہ و ارتباط عمیق با نسل جوان

آقای احمد هوبر از اندیشمندان مسلمان اهل سوئیس می گوید: «هنگامی که من از سال ۷۹-۱۹۷۸ (۵۷-۱۳۵۶) به مطالعه درباره امام خمینی رحمه الله به خصوص از منابع ایرانی شروع نمودم، به طرز عجیبی شگفت زده شدم، چراکه امام خمینی رحمه الله اولین رهبر مذهبی در قرن ماست که انقلابی را به وجود آورد که همزمان سه وجهه مذهبی، سیاسی و فرهنگی را در خود جمع کرده بود. تمام انقلابیون قرن ما نظیر لنین، مائوتسه تونگ یا آدولف هیتلر و موسولینی! یک انقلاب سیاسی و اجتماعی را به وجود آوردند؛ اما چون آنان بویی از مذهب نبرده بودند، راه و روش هایشان امروزه کهنه شده و طرفدارهایشان به پایان خط رسیده اند، ولی امام خمینی رحمه الله اولین رهبر مذهبی است که دین، سیاست و فرهنگ را یک جا به کار گرفته و به همین دلیل نیز ادامه خواهد یافت.

از جمله کارهای اعجاب انگیز امام خمینی رحمه الله ارتباط عمیق با نسل جوان است. با اینکه او بخش اعظم زندگی اش را شت سرگذاشته بود، اما نسل جوان را به میدان مبارزه می کشانید، اصولاً روحیه و شرایط سنی نسل جوان طوری است که بیشتر از همسالان خود تاثیر می پذیرد تا از پیر مردی که در دوران انقلاب حدود ۵ برابر سن جوان های کشور از عمر خویش را سپری کرده بود. این در حالی است که رهبران سایر انقلاب ها، در هنگام انقلاب، جوان یا میان سال بوده اند. رمز این توفیق را من در شخصیت منحصر به فرد امام خمینی رحمه الله می دانم که او نه تنها از ارزش های بزرگ اخلاقی - انسانی و ایمان عمیق مذهبی برخوردار بود بلکه عالمی دانشمند و فقیهی آگاه از مسائل جاری بود و در زمینه های سیاست و دانش اجتماعی و اقتصادی اطلاعات وسیعی داشت، زیرا بدون این دانش ها، یک عالم مذهبی به دور از اطلاعات گسترده جهان امروز نمی تواند چنین قدرت نمایی کرده و هیولای وحشتناکی را که به نمایندگی از امریکا و سایر قدرت ها در ایران حکومت می کرد به زیر بکشد.

نکته ظریف دیگری را که من در نهضت امام خمینی رحمه الله احساس کردم این است که انقلاب اسلامی ایران مستقیماً از بطن مردم جوشیده است، نه اینکه مثل انقلاب فرانسه از روشنفکرانی چون «ژان ژاک روسو»، «ولتر»، «دیدرو» و دیگران تغذیه شود. به واقع باید انقلاب اسلامی را انقلاب مردمی نامید»^(۶).

اسماعیل ولی اف، رئیس مدرسه عالی دفاع نخبوان می گوید:

«این واقعیتی تردیدناپذیر است که امام خمینی رحمه الله با آن شکوه و عظمتی که داشتند در کمال سادگی زندگی کردند. من خودم در محل سکونت امام خمینی رحمه الله حضور یافته‌م و از نزدیک اتاقی را که در آن زندگی می کردند دیدم. قبل از آنکه به آن مکان وارد شوم، احساس می کردم که وارد فضایی بزرگ خواهم شد که جلوی در آن ماشین هایی آخرین سیستم پارک شده است، گمان می کردم که ایشان هم در بنایی با شکوه زندگی می کنند، زیرا القائنات سوء دشمنان انقلاب اسلامی به ما اینگونه تفهیم کرده بود.

ولی وقتی در آن جا حضور یافته‌م همه تصوراتم تهی از آب درآمد، زیرا زندگی این انسان بزرگ با زندگی عادی ایرانی ها کاملا همانند و یکسان بود، بلکه باید بگویم که ایشان زندگی خود را صرف اعتلای مذهب و امت اسلامی کرده است. زندگی امام از زندگی من که معلم هستم ساده تر بود. او همیشه زنده است و من در سایه اوست که به ایران آمدم. وقتی پشت در اتاق ایشان قرار گرفتم، از پشت پنجره عکس او را بوسیدم و در دلم گفتم: اماما! تو هرگز از یادها فراموش نخواهی شد. تو همیشه زنده ای»⁽⁷⁾.

تاثیر کلام

دکتر غیاث الدین صدیقی، متفکر آزاد اندیش انگلیسی و عضو پارلمان مسلمانان انگستان می گوید: «شخصیت امام رحمه الله تاثیر عمیقی بر دنیای جدید و به خصوص بر امت اسلامی داشته است.

مدت ها بود که ما رهبری نداشتیم که آنچه را می گفت تاثیر داشته باشد. به نظر من این مهم ترین خصوصیت امام خمینی رحمه الله بود، مردم احساس می کردند که هر آنچه ایشان انجام می دادند، هیچ دلیلی جز برای عزت اسلام و کیان اسلامی نداشت. این مهم ترین دستاورد و این ویژگی شخصیت او بود. در جامعه اسلامی خیلی معمول شده است که هرگاه چیزی مطابق معمول و خوب پیش نرود مردم می گویند: «ما یک خمینی لازم داریم».

او نوعی استاندارد اخلاقی و رهبری در جامعه مسلمانان بنیان نهاده است و هرکسی که می خواهد برای خود کسی بشود، باید خصوصیت امام خمینی رحمه الله را داشته باشد»⁽⁸⁾.

دفاع از مقدسات مسلمانان

مولانا نواب بلدین نقشبندی از دانشمندان برجسته اهل سنت می گوید:

«امام خمینی رحمه الله جامعه ایرانی غرق در فرهنگ فاسد غرب را تبدیل به جامعه ای کاملا اسلامی کرده، آن بزرگ مرد تاریخ بشریت پس از سکوت طولانی جهان اسلام در برابر اهانت سلمان رشدی به مقدسات مسلمین، فتوایی صادر کرد که ابرقدرت ها و همه دول ضد اسلامی جهان را شوکه نمود»⁽⁹⁾.

نمونه ای از رهبری صدر اسلام

مولانا کوثر نیازی می گوید:

«امام خمینی رحمه الله این مساله را ثابت کردند که برای استقرار حکومت اسلامی لازم نیست تمامی عوامل کامل و مهیا باشد. تمام آنچه که برای برپایی اسلامی «توحیدی» لازم است وجود «مجتهدی» متعهد است که به توده های مسلمانان در مقابل «منافقین» و جهان «کفر» الهام بخش باشد. روش سیاسی و شخصی امام خمینی رحمه الله مثالی برای رهبریت اسلامی شده است. نه ثروت و نه قدرت، هیچ کدام نتوانستند وی را فریب دهند.

روش زندگی وی قابل مقایسه با رهبران صدر اسلام می باشد. امام خمینی رحمه الله به عنوان معلم و مشعل داری بزرگ در زمان معاصر و آینده مسلمین ظاهر گردیده اند. بدون اغراق می توان گفت: وجود امام برای مسلمین برکت، و اعمال و گفتار ایشان چون منبع ابدی وحی برای مسلمین است»⁽¹⁰⁾.

او یک آیت حقیقی از الله بود

پروفسور «حامد الگار» استاد اسلام شناسی در دانشگاه کالیفرنیا می گوید:

«یک مسلمان هرچه قدر بخواهد از یک شخصیت بزرگ معنوی تعریف و تمجید کند، به خاطر آنکه بزرگی و عظمت تنها از آن خداست و نمی توان شخصی غیر از خداوند را با این صفات خواند، بهتر است در عوض به کارگیری چنین لفظی گفته شود که عظمت و بزرگی خداوند بنحو نادری در آن فرد جلوه پیدا کرده و او را به آیتی از «الله» مبدل ساخته است. امام خمینی رحمه الله قطعاً چنین آیتی بود. هرکس که سعادت حضور در کنار او را داشته باشد می داند، زیارت وی حتی هنگامی که او یک کلمه سخن نیز نمی گفته، عمیق ترین تاثیر را بر روی آدمی می گذاشت. راز این تاثیر در همان ویژگی الهی نهفته است».

به عقیده این استاد آمریکایی مسلمان، یکی دیگر از ویژگی های رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران آرامشی بود که در امام وجود داشت. او در توضیح این سخن خود می گوید: «آرامشی که در امام وجود داشت، متعلق به فردی بود که با شیوه ای زاهدانه خود را غرق در «اندیشه و عبادت الهی» کرده بود، اما در عین حال آنچنان به اقدامات سیاسی مهمی دست می زد که به لحاظ گستردگی و تاثیر، در هیچ فرد انقلابی وجود نداشت و به خاطر چنین ویژگی وی بود که در شخصیت او نوعی تکامل و همه جانبه ایجاء کرده بود، به طوری که از عابد گرفته تا عامی و از عارف گرفته تا قاضی، همه را تحت تاثیر قرار می داد. در یک کلام، «زندگی او تجلی عمل صالح و ایثار بود و او در این دنیا چنان به سر می برد که گویی دائماً مجذوب عز قدس الهی است و دقیقاً به این دلیل بود که میلیون ها مسلمان جهان از ممالک مختلف به او عشق ورزیده و به راهش ایمان آوردند»⁽¹¹⁾.

بخش دوم: امام خمینی رحمه الله از منظر دانشمندان غیر مسلمان

سمبل مبارزه علیه ارزش های مادی غرب

دکتر «دیمتری کیت سیکس» از متفکران مسیحی ارتدکس و استاد تاریخ روابط بین الملل کشور یونان می گوید: «برای ما مسیحیان ارتدکس یونان که تفوق جویی شیطانی ارزش های غربی را رد می کنیم، امام خمینی رحمه الله نمونه ای بود از یک مبارز جهانی، جهت استقرار حق به جای ارزش های مادی. اگر چه تبلیغات جهانی غرب سعی می کرد از ایشان یک تصویر فنانیک⁽¹²⁾ ترسیم نماید، ولی ما می دانیم که وجود او مملو از مهر و محبت نسبت به تمام ملل روی زمین - که در مسیر خدا حرکت می کردند و برتری ارزش های مادیگری را رد می کردند - بود»⁽¹³⁾.

شخصیت شگفت انگیز و بی نظیر تاریخ معاصر

«رابین وود زورث»، نویسنده و محقق مسیحی از کشور آمریکا می گوید:

«درباره آیت الله خمینی رهبر جمهوری اسلامی، صحبت ها و حب و بغض های فراوانی مطرح شده است. در فرصتی که برای دیدار او پیش آمد، فکر کردم در چنین موقعیت مهمی، تلاش لازم را به کار برم و نتیجه را هرچه شد قبول نمایم.

از نظر دنیای غرب، امام خمینی رحمه الله مظهر سرسختی، غرور و انعطاف ناپذیری بود، حتی آن عده از غربی هایی که من آن ها را ملاقات کرده بودم و آن ها نیز قبلاً امام را دیده بودند، ضمن آن که جذابیت رهبری ایشان را انکار نمی کردند ولی رفتار او را فاقد گرمی و خنده توصیف می کردند.

حالا من فرصتی یافتم، تا خودم قضاوت کنم. فرصت برای دیدن کسی که برجستگی و شامخیت شخصیت او ایران را در بر گرفته بود، آن که سیاستش باعث تحولات عمیق در ایران و برانگیختن خشم فراوان غرب شده بود.

من در جلو هال (حسینیه جماران) قرار گرفتم، به محض حضور امام روی بالکن حسینیه، جمعیت حاضر یکپارچه از جای خود برخاستند و فریاد زدند خمینی، خمینی، خمینی. اولین باری بود که چنین رفتار عمیقا هیجان انگیز، شادمانه، مبارزانه و احترام آمیز را نسبت به یک انسان مشاهده می کردم. هنگامی که در باز شد و او وارد شد، توفانی از انرژی برخاست. عبای قهوه ای، عمامه مشکی و محاسن سفیدش همه مولکول های ساختمان را به حرکت درآورد. توجه حضار آن چنان متمرکز و میخکوب شد که هر چیز دیگر غیر از او ناپدید شد.

خمینی به مثابه هاله یک نور در حال حرکت به عمق وجدان و آگاهی همه کسانی که در حسینیه جماران حاضر بودند، نفوذ کرده بود. او تمام تصاویر تخیلی را که هرکس قبل از ملاقات با او در ذهن خود ساخته بود، منهدم می کرد. حضورش چنان پر قدرت بود که من خود را در محاصره هیجاناتم و در فاصله بسیار دور از ایده ها و تجارب شخصی قبلی ام احساس می کردم.

من قبلا انتظار داشتم پیرامون حرکات سیما و انگیزه های او و شگفتی های طبیعت واقعی او به تحقیق بپردازم، ولی قدرت خمینی، توفیقات او و قدرت مطلق کنترل و احاطه نفسانی او، همه قالب های ارزیابی ذهنی مرا نابود ساخت و من خود را در حال گرفتن احساس و انرژی که توسط اشعه حضور او در حال تبلور بود یافتم.

خمینی یک توفان بود، با این همه در نهاد این توفان یک سکون و آرامش مطلق وجود داشت. او بسیار شدید و آمرانه بود و در عین حال بسیار آرام بخش. او پاسخگو، باز و پرتاثیر بود. در درون او یک حقیقت ساکن و غیر قابل حرکت وجود داشت، ولی همین بی حرکتی باعث حرکت کلی یک کشور شد.

او یک انسان معمولی نبود، در واقع تمام کسانی را که قبلا ملاقات کرده بودم از عرفا و زهاد تا راهب های بودایی، حکمای هندی و دیگران، هیچ کدام دارای چنین حضور برق آسا و انرژی بخشی نبودند.

برای آن ها که توانستند ببینند و احساس کنند، هیچ گونه ابهامی خمینی یک توفان بود، با این همه در نهاد این توفان یک سکون و آرامش مطلق وجود داشت. او بسیار شدید و آمرانه بود و در عین حال بسیار آرام بخش. او پاسخگو، باز و پرتاثیر بود.

درباره کمالات والای خمینی باقی نماند. این عظمت و کمال در همه جا منعکس بود. در تنفسش، در حرکت اندام و دستانش، در آتش شخصیتش و در آرامش آگاهی و وجدانش ؛ همه چشم ها به سوی خمینی بود، در آنجا اثری از خودخواهی و خودپسندی نبود.

همه حواس او به شکل سرسختانه و در عین حال برنامه ریزی شده ای به همان نقطه ای معطوف بود که به نحو زیبا و عارفانه ای جو آن جمع را جلب کرده بود. علی رغم آن اراده شدید و اخلاق پربلاست و سازش ناپذیر، روحیه کاملا مثبت و هموار او در حرکت دستانش و صدای صاف کردن حنجره اش و افکار متمرکزش متجلی شده بود.

در حالی که صدها مسلمان عاشق میهن در مجلس، عظمت او را فریاد می زدند و با تحسین و ستایش مطلق از او به وفاداری عاشقانه اش سوگند یاد می کردند، او در درون خود بود و همچنان آرام و بی حرکت باقی مانده بود. چنین صحنه هایی خارج از مرز تصور و حدودی بود که من به آن ها خو گرفته بودم.

خواننده ممکن است این توصیفات را مبالغه آمیز بداند. چنین کسی باید بداند که علیرغم همه شنیده های قبلی ام و علیرغم مطالب متضادی که قبلا دریافت کرده بودم، اولین و واقعی ترین تاثیر شخصیتی [امام] خمینی هیچ ارتباطی با مقولات مطرح شده علیه او نداشت. برای آنکه بتوانید واقعه فهم فوریه را که در شمال تهران (ملاقات در حسینیه جماران) اتفاق افتاد، تصور کنید به مثال های زیر توجه کنید:

برای یک لحظه فشار نوزاد برای رهایی از رحم مادر و ورود به دنیای جدید را تصور کنید و یا لحظه ای که فرد به مردن آگاهی پیدا می کند. ریشه این حقایق خارج از چارچوب تجارب شخصی بود و برای من قبلاً قابل تصور نبود، زیرا هرگز تجربه نکرده بودم. حقیقت این است که وقایع خود آفریننده تجارب اند. موضوعیت این تجربه به نظر می رسد اساس و ریشه آگاهی مرا هدف قرار داده است. من مدل این تجربه را به نحوی بالا بردم که تمام احساسات و افکارم را به سوی آگاهی خود هدایت کرد. آری، امام خمینی رحمه الله آن انسان قوی، قدرتمند و شکست ناپذیر بود؛ و شخصیت او مهم ترین ویژگی اوست و مهم ترین ویژگی حرکت او شناساندن چنین شخصیتی بود»⁽¹⁴⁾.

احیاگر روحیه اعتماد به نفس در مردم

پروفسور «ام - اس - اگوانی» ، متخصص امور ایران و رئیس دانشگاه جواهر لعل نهرو می گوید:

«آیت الله خمینی تنها کسی بود که از سال ۱۳۴۲ تا رحلتش سازش نکرد. هیچ فرد دیگری در قرن حاضر قادر به ایجاد تغییراتی بنیادی در جامعه ایران همچون معظم له نبوده است».

وی در مقایسه دوران انقلاب با زمان شاه اظهار می دارد: «رژیم شاه از مردم و حمایتشان دور بود، اما آیت الله خمینی با جلب حمایت توده مردم پیروز شد و بعد از سالیان طولانی، آموزش های اسلامی را عملاً وارد زندگی مردم کرد. و مهم ترین دستاورد ایشان احیاء احترام و اعتماد به نفس در مردم بود. او تنها رهبری است که توانست جنبش را بر اساس ایدئولوژی و مذهب بنیانگذاری کند که هیچ یک از رهبران انقلاب های جهان نتوانستند به آن دست یابند»⁽¹⁵⁾.

الهام بخش مسیحیان آزاده

دکتر جرج موستاکیس روحانی و نویسنده مسیحی از یونان می گوید:

«من یک مسیحی هستم ولی به امام خمینی رحمه الله علاقه بسیار زیادی دارم. امام خمینی (ره) اصلاح کننده بزرگ امت اسلامی بوده است. من و سایر مسیحیان آزاده وظیفه خود می دانیم که از ایشان پیروی کنیم».

«زندگی مذهبی و سیاسی امام خمینی رحمه الله و مبارزات ایشان بر علیه استعمار به روشنی در روند تاریخ ثبت است.» این کشیش یونانی و استاد فلسفه و جامعه شناسی که وصیت نامه امام را به زبان یونانی ترجمه کرده است در ادامه می گوید:

«من یک مسیحی هستم ولی به امام خمینی رحمه الله علاقه بسیار زیادی دارم. امام خمینی رحمه الله اصلاح کننده بزرگ امت اسلامی بوده است. من و سایر مسیحیان آزاده وظیفه خود می دانیم که از ایشان پیروی کنیم».

آقای مستاکیس سپس احساس خود را راجع به «حسینیه جماران» چنین بیان می کند: «اینجا زیباترین مسجدی است که در عمرم دیده ام، زیبایی و تقدس آن به خاطر مادیات نیست. به خاطر این نیست که از طلا و یا نقره و یا بلور ساخته شده باشد، بلکه به خاطر روح بزرگ امام خمینی رحمه الله است.» آقای جرج موستاکیس گفتار خویش را با دعای ویژه مردم یونان به پایان می برد: «پروردگارا! ای خداوند قادر مطلق! روح محبوب امام عزیز، خمینی بزرگ را قرین آرامش ابدی خویش گردان و او را تحت عزت و جلال ملکوت و هم جوار ارواح طیبه ابراهیم، اسحق و یعقوب و تمامی انبیاء دیگر قرار ده. آمین»⁽¹⁶⁾.

عشق عمیق یک ملت

«دکتر فوسبری» کشیش و رئیس دانشگاه های کاتولیک آمریکای لاتین می گوید: «امام خمینی با استفاده از ریشه های فرهنگی اسلامی موجب حرکت تاریخی ملت خویش گشت. وی توانست با یک انقلاب مذهبی سیاسی، حرکت عظیمی در کشورهای اسلامی به وجود آورد. او راهی را به روی ما گشود که مهم ترین پیام آن امکان بازیابی ماهیت معنوی و قدرت الهی و

ایمان به خدا بوده است. امام با بازگشایی این راه، وجدان معنوی غرب را شدیداً به لرزه در آورد هرچند رسانه های گروهی غرب سعی در پوشاندن و مخفی ساختن آن داشته باشند».

دکتر فوسبری، مراسم عزاداری ملت ایران را نمونه هایی از عشق عمیق یک ملت نسبت به معشوق خود دانسته و اشک ده ها میلیون ایرانی را در سوگ رهبر از دست رفته شان، عزای یک ملت در فقدان امام خود خوانده و اضافه می کند: «عکس العمل میلیونی مسلمانان در غم از دست دادن تنها یک سیاستمدار نبود، بلکه درد جدایی کسی بود که ماهیت فرهنگی یک ملت را به وی بازگرداند و راه آزادی را به جهانیان آموخت»⁽¹⁷⁾.

اثبات پیروزی تفکر دینی در قرن بیستم

پروفسور پروولسی ایتالیایی، استاد ایران شناسی در دانشگاه رم می گوید:

«مهم ترین عملکرد آیت الله خمینی امکان پذیر نمودن یک انقلاب اسلامی بود، آن هم در کشوری که تمدن و فرهنگی قوی را در سابقه خود دارد.

این کار باعث شد تا مردم ایران فرهنگ واقعی و قدیمی خود را که همان فرهنگ اسلامی بوده بشناسند و خود را متکی بر آن فرهنگ به جامعه جهانی بشناسند.

این در حالی بود که تا قبل از انقلاب اسلامی، تنها آوایی که از ایران بلند بود و معیار شناخت جهانیان از کشور ایران اعلام می شد، صدای غریزدگی بود. بنابراین آیت الله خمینی رحمه الله آغاز کننده انقلابی بود که بالاخره فرهنگ اسلامی راستین ملت ایران را آشکار ساخت»⁽¹⁸⁾.

پی نوشت ها:

- 1) نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.
- 2) بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.
- 3) شخصیت امام رحمه الله از دیدگاه رسانه ها، ص ۱۴.
- 4) همان، ص ۶۲.
- 5) همان، ص ۴۷.
- 6) فصلنامه حضور، ش ۲۷، ص ۶۶ به بعد، با تلخیص.
- 7) امام خمینی رحمه الله در حدیث دیگران، ص ۴.
- 8) امام خمینی رحمه الله در حدیث دیگران، ص ۹۲.
- 9) خورشید بی غروب، ص ۷۴ به نقل از بولتن خبرگزاری، ۱۳۶۸/۳/۲۲.
- 10) خورشید بی غروب، ص ۷۶.
- 11) روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۴/۱۸.
- 12) فئاتیک یعنی: متعصب در دین یا مذهب، طرفدار شدید یک فرقه یا یک حزب. (فرهنگ معین.)
- 13) شخصیت امام رحمه الله از دیدگاه رسانه ها و متفکران جهان، ص ۵۸.

14) همان، ص ۴۹.

15) خورشید بی غروب، محمد سپهری، ص ۸۶.

16) جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۲۴.

17) خورشید بی غروب، ص ۹۲.

18) شخصیت امام رحمه الله از دیدگاه رسانه ها و متفکران جهان، ص ۲۶.